



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 1, 2024

Differential Instances of the Rights of Suspects, Accused and Convicted in the Statute of the International Criminal Court

Mahdi Khaghani Esfahani¹, Mehrdad Teymouri*²

1. Assistant Professor of Criminal Law & Criminology in the Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-30

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-1933-5727

TELL: +989141212190

Email: mehrdadteymoori1@gmail.com

Article history:

Received: 15 Apr 2023

Revised: 23 Jun 2023

Accepted: 26 Aug 2023

Published online: 20 Mar 2024

Keywords:

Subjects of the Criminal Process, Differential Rights in Proceedings, International Criminal Court, Human Rights.

ABSTRACT

Criminal justice in its true sense seeks to expand justice while protecting the rights of the victims and also includes the rights of the criminals. The Statute of the International Criminal Court, as an expression of the implementation of criminal justice at the international level, has taken care to recognize these rights in various cases. As the wide range of rights of the suspect, accused and convicted in the statute of the International Criminal Court originates from human rights doctrines; Therefore, the purpose of this research is to identify the manifestations of the rights of suspects, accused and convicted in the statute of the International Criminal Court. The research method used in this research is descriptive and analytical for this purpose. The articles related to the rights of suspects, accused and convicted in the statute of the International Criminal Court have been explored. The result of the current research is that people who are accused of committing a crime are called suspects, people who are prosecuted for committing a crime are called accused, and people who are found guilty of committing a crime are called convicts. Therefore, based on the standards of human rights and promotion of human dignity in the statute of the International Criminal Court, manifestations of the rights of suspects, accused and convicted have been recognized, which evokes the dignity-oriented criminal justice at the international level.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Khaghani Esfahani, M & Teymouri, M (2024). "Differential Instances of the Rights of Suspects, Accused and Convicted in the Statute of the International Criminal Court" . *Journal of International Criminal Law*, 2(1): 17-30.

مقدمه

با ارتکاب جرایم هولناک در طول قرن بیستم به تدریج جامعه جهانی به فکر محاکمه مرتکبین این جرایم افتاد. از این رو، در اوایل قرن بیستم، شاهد شکل‌گیری محاکم کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین جرایم علیه صلح و امنیت بین‌المللی و برهم‌زنندگان نظم جامعه هستیم. فرد متهم را نمی‌توان مجرم فرض کرد، چه در این فرض دادگاه و دادرسی فلسفه خود را از دست خواهد داد و در یک نظام دادرسی مترقی و انسانی نقش دادگاه داور بی‌طرفانه میان اصحاب دعوی است. اصل تساوی افراد در مقابل دادگاه یک قضیه دوطرفه بوده و دربردارنده حقوق همه اطراف دعوی، از جمله مدعی، متهم و شاهدان است. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که با هدف تعقیب مجرمین و مجازات آن‌ها برای دستیابی به صلح و امنیت ایجاد شده‌اند، نمی‌توانند صرفاً به حقوق قربانیان جنایات توجه داشته باشند، بلکه برای حفظشان و اعتبار خود ملزم به رعایت حقوق متهم نیز هستند. دیوان کیفری بین‌المللی نیز با پیش‌بینی گونه‌های متفاوتی از حمایت‌های حقوقی، در مسیر اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان و متهمان گام برداشته است و یکی از اهداف عمده حقوق جزای بین‌الملل جلوگیری از بی‌کیفرماندن مجرمان است که این امری است که دیباچه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز به آن اشاره دارد (خداخواه، ۱۳۹۷: ۴۶۳-۱۴۹). توجه به این موضوع که یکی از چالش‌های بزرگ در نظام عدالت کیفری انتخاب مهم و سرنوشت‌ساز بین حفظ حیات متهمان و محکومان و از سوی دیگر اجرای عدالت بوده است (تیموری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۷). اصل دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه ایجاب می‌کند که حقوق مشخصی برای مظنونان، متهمان و محکومان به‌مثابه حق بشری برای ایشان قائل شد. از همین رو مقاله حاضر درصدد شناسایی جلوه‌های حقوق متهمان و محکومان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با رویکرد موازین حقوق بشری است.

از حیث پیشینه موضوع، اگرچه در گذشته مخاصمات مسلحانه عمدتاً بین‌المللی بوده و کشورها با یکدیگر درگیر جنگ می‌شدند، لیکن امروزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و داخلی رواج بیشتری پیدا کرده است و گروهک‌های تروریستی نظیر داعش، النصره و ... داخل مرزهای یک کشور مبادرت به

اقدامات مسلحانه می‌کنند. در نظام حقوق بین‌الملل تحولات قابل تأملی روی داده که ملاحظات انسانی فصل مشترک بسیاری از آن‌هاست. در این میان، دیوان کیفری بین‌المللی ساختار حقوقی نوینی برای تعقیب مرتکبین جنایات بین‌المللی و ناقضان حقوق انسان‌هاست. دیوان مزبور از طریق ایجاد پیوند بین صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت کیفری با مقوله حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتباط یافته است که در پرتو اساسنامه‌اش، می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های حقوق بشردوستانه داشته باشد. تفسیر قواعد اساسنامه بر اساس حقوق بشردوستانه، ماهیت حقوق بشردوستانه جنایات بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان و ... همگی دال بر تحول و تکامل حقوق کیفری بین‌المللی به سمت حمایت سازمان یافته از حقوق بشردوستانه و برخورد کیفری با نقض‌های بنیادین حقوق بشردوستانه است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۸: ۳۷). گستره وسیع حقوق مظنون، متهم و محکوم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نشأت‌گرفته از مبانی و آموزه‌های حقوق بشری است.

۱- چهارچوب مفهومی حقوق افراقی مظنونان، متهمان و محکومان

شکل‌گیری یک پرونده زمانی است که قرار دستگیری از سوی شعبه مقدماتی صادر شود. به‌موجب این قرار، فرد یا افرادی متهم به ارتکاب جنایت یا جنایتهایی شناخته می‌شوند (Baumgartner, 2008: 414). شرکت بزه‌دیده در مرحله تحقیقات دادرسی عادلانه و حقوق متهم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Wemmers, 2006: 15). واحد بزه‌دیدگان و شاهدان برای نخستین بار از سوی دادگاه‌های اختصاصی شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد شد. این واحد به‌منظور پشتیبانی و حمایت از قربانیان و شهودی که نزد دیوان حضور می‌یابند، تأسیس شده است. همکاری دولت‌ها با واحد بزه‌دیدگان و شاهدان در تنظیم و اجرای کارآمد ترتیبات حفاظتی و امنیتی، می‌تواند منجر به ایجاد تعادل و توازن میان حقوق متهمان و شاهدان شود. با تضمین امنیت شهود از سوی کشورها، دیوان می‌تواند هویت آنان را فاش کند و بدین ترتیب، حق متهم بر دادرسی عادلانه تأمین گردد. از این رو، بهره‌گیری دیوان از این امکان، دارای اهمیت فراوانی است و از عدم تعادل احتمالی این دوگونه حق که از مهم‌ترین موضوعات مورد اهتمام دیوان نیز

بدوی یا محاکمه اصلی تحویل داده شود و دلیل دیگری که می‌توان بیان داشت، این است که اساسنامه در فصل ششم تحت عنوان محاکمه موادی را به وضعیت متهم اختصاص داده است که خود دلیلی بر اثبات ادعا می‌باشد و معمولاً کسی که متهم است و از اتهام مبرا نشده است وی را به شعبه بدوی دیوان می‌فرستند تا در زمینه اتهامات وی تصمیم گرفته شود.

۳- آثار حقوق مظنونان، متهمان و محکومان بر فرآیند عدالت کیفری

برخورداری مظنون از حقوق مقرر برای متهم اکثر قواعد مندرج در اسناد بین‌المللی به‌طور مشخص در مورد حمایت از اشخاص متهم در طول محاکمه است، اما در مرحله تحقیق که هنوز روشن نیست، آیا محاکمه‌ای پا خواهد شد یا نه، چه حقوق و حمایت‌هایی قابل اعمال است. مفروض است که اشخاص مورد تحقیق باید از آن دسته حقوق مقرر برای متهم که نسبت به وضعیت آن‌ها نیز قابل اعمال است، برخوردار باشند. دو دلیل عمده، برای تأیید این فرض وجود دارد: نخست این که منطقی به‌نظر نمی‌رسد شخصی که هنوز هیچ اتهامی بر او وارد نشده، حقوقی کمتر از متهم داشته باشد یا به بیان دیگر موجه نیست که حقوق شخص پیش از متهم‌شدن نسبت به پس از آن کمتر باشد؛ دوم آن که طبعاً هر متهمی ابتدا مظنون است و این موقعیت و شرایط مظنون است که زمینه‌ساز متهم‌شدن او می‌گردد، پس می‌توان ادعا کرد اگر فردی از حق خاصی هنگام متهم‌شدن برخوردار می‌شود، چگونه می‌توان اجازه داد این حق پیش از برخورداری از حمایت ویژه، نقض شود، چه این که نقض اولیه آن می‌تواند حمایت بعدی را نیز بی‌ثمر کند. از سوی دیگر حقوق مظنون، به‌جهت نقش مظنون به‌عنوان یک منبع بالقوه ادله، بررسی اعتبار ادله به هنگام محاکمه دارای اهمیت است. در این زمینه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی پیشرفته‌ترین متون را برای این حقوق ارائه می‌دهد. با نظر به مقررات یادشده این حقوق را می‌توان شامل موارد ذیل دانست: حق سکوت و خودداری از خود اتهامی، حق مصونیت از هرگونه اجبار، فشار، تهدید یا شکنجه یا هر شکل دیگر رفتار یا مجازات بی‌رحمانه غیرانسانی یا موهن، حق برخورداری از مترجم، حق داشتن وکیل، حق مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق

است جلوگیری خواهد کرد (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۹۱). نباید فراموش کرد که به رسمیت‌شناختن حقوق برای بزه‌دیدگان و دفاع از آن‌ها نباید منجر به نادیده‌انگاشتن و پایمال کردن حقوق متهمان و محکومان شود.

۲- مبانی تفکیک حقوق مظنونان، متهمان و محکومان

در ماده ۵۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حمایت و رعایت حقوق افراد طی دو مرحله مشخص می‌شود: اول این که هسته‌ای از حقوق برای هر شخص مرتبط با تحقیق شناخته شود؛ دوم در صورتی که دلایلی بر ارتکاب جرم از سوی فرد باشد و در معرض بازجویی قرار گیرد، حمایت بیشتری پیش‌بینی شود. ماده ۵۵ اساسنامه به بیان حقوقی می‌پردازد که در مرحله تحقیق باید مورد حمایت مناسب قرار گیرد. این حقوق هم در مرحله اولیه، یعنی هنگامی که هنوز هیچ اعتقاد به مسؤلیت کیفری شخص مورد تحقیق در دست نیست و هم در مرحله متعاقب آن که دلایلی بر اعتقاد به ارتکاب جرم توسط آن شخص وجود دارد و در معرض ادله بر بازجویی مقامات تحقیق قرار گرفته، اعطا می‌شود. بدین‌سان می‌توان گفت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی سه وضعیت متمایز را معرفی می‌کند: نخست وضعیت اولیه شخص در رابطه با تحقیق؛ دوم وضعیت مشخص‌تر شخص هنگامی که راجع به او دلایلی وجود دارد برای اعتقاد به این که مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان شده است؛ سوم وضعیت موضوع ۶۱، یعنی پس از تأیید اتهامات که شخص رسماً متهم شناخته می‌شود، در این موقعیت‌ها از یک‌سری حقوق مشترک برخوردار است، ضمن این که دارای حقوق متمایز است.

تفاوت عمده حقوق مظنونان و متهمان در مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مذکور است. با این تفاوت که ماده ۵۵، حقوقی را دربر دارد که باید توسط دادستان و یا کشورهای عضو که براساس درخواست دادستان و طبق فصل نهم اساسنامه، در حال تحقیق هستند، در مورد مظنونان مراعات نمایند، اما ماده ۶۷ به حقوقی اختصاص دارد که متهم در طول محاکمه از آن‌ها برخوردار است. به‌نظر می‌رسد تفاوت دیگری بین مظنونان و متهمان این است که متهم کسی است که کیفرخواست دادستان را شعبه مقدماتی بعد از جلسه مقدماتی تأیید می‌کند و باید به دادگاه

بر مجبور و واردنشدن به «متهم کردن» خود یا «اقرار به جرم» اختصاص داده است. حق سکوت اختصاص به مرحله تحقیق ندارد، بلکه در طول دوره دادرسی استمرار می‌یابد، اما در مراحل نخست تحقیق و رسیدگی مقدماتی که دادستان درصدد تهیه ادله‌ای دال بر اعتقاد به مجرم‌بودن شخص است، شامل منع هرگونه فشار و اجبار فیزیکی یا روانی بر شخص است که از آن به حق مصونیت از مجبورشدن به خود اتهامی با اقرار به جرم یاد می‌شود، ولی پس از آن، که دادستان تصور می‌کند دلایل کافی برای اعتقاد به مجرم‌بودن فراهم آمده است و دیگر نیاز به اقرار شخص ندارد، از آن به حق سکوت تعبیر می‌شود. درواقع، حق خودداری از خود اتهامی یا اقرار در مرحله مقدماتی تضمین‌کننده حق سکوت در مرحله دادرسی است. بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌کند که این حق باید به هر شخص تحت تحقیق داده شود، پیرو این مقرر «شخص نباید وادار به متهم کردن خود با اقرار به جرم شود». آنچه به مقتضای این حق بر مقامات تحقیق منع می‌شود، باید باتوجه به این دو مفهوم مشخص گردد که می‌توان گفت شامل همه انواع فشارهای پیش از محاکمه است، از جمله استفاده از تهدید یا تاکتیک‌ها غیرمنصفانه مانند این که به شخص گفته شود کس دیگری قبلاً اعتراف کرده است. مقتضای دیگر این حق آن است که اگر شخص به‌عنوان شاهد مورد استماع دادستان واقع شده است، دادستان نمی‌تواند از هیچ‌یک از اطلاعات حاصل از پرسش و پاسخ علیه او استفاده کند، چراکه در غیر این صورت ممکن است دادستان بکوشد شخص را در شرایطی قرار دهد که ناخواسته به برخی عناصر جرم گواهی دهد.

۴-۱-۲- حق داشتن مترجم

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ردیف «ج» از بند ۱ ماده ۵۵ به بیان روشن این حق مبادرت ورزیده است، اما آنچه قابل تأمل و مقتضی درنگ است، مسائلی است پیرامون زبان‌های مورد بحث زبانی که به‌کار گرفته می‌شود و زبانی که باید به آن ترجمه شود، زبان‌های محاکم کیفری بین‌المللی موجود به‌کار می‌گیرند، انگلیسی و فرانسوی است، حال در چه صورت ترجمه زبان مورد استفاده در بازجویی ضرورت پیدا می‌کند؟ آیا همین قدر که این زبان مظنون نیست، ترجمه را ایجاب می‌کند

اطلاع از دلایل بازداشت، حق اعتراض به بازداشت و جبران خسارت ناشی از دستگیری و بازداشت غیرقانونی.

در مقررات دادگاه کیفری بین‌المللی موجود مظنون و متهم از یکدیگر متمایز گردیده‌اند، بند ۴ ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق، واژه متهم را با تنظیم کیفرخواست علیه شخص توسط دادستان به‌کار برده است و پیش از آن وصف مظنونان را استفاده کرده است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز وصف متهم را برای نخستین بار در بند ۹ ماده ۶۱ به‌کار برده است و این پس از تأیید کیفرخواست به‌وسیله شعبه مقدماتی است. پیش‌ازاین همواره از کلمه «شخص» استفاده شده است. قواعد آیین دادرسی دیوان نیز به‌تبع اساسنامه تا پیش از تأیید کیفرخواست از به‌کاربردن وصف متهم خودداری کرده است و تنها در قاعده ۱۲۸ برای نخستین بار از کلمه متهم استفاده شده که مربوط به پس از تأیید کیفرخواست است. بر این اساس در سیستم دیوان کیفری بین‌المللی تا پیش از تأیید کیفرخواست یا فقراتی از آن توسط شعبه مقدماتی شخص به‌طور رسمی به‌عنوان متهم شناخته نمی‌شود. پس اتهام در محاکم کیفری بین‌المللی هنگامی است که یک کیفرخواست معتبر علیه شخص صادر گردد و سبب تبدیل وضعیت شخص از مظنون به متهم شود.

۴- حقوق متهمان و محکومان در رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی و اسناد حقوق بشر

۴-۱- رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی بر حقوق مظنونان

در دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان صریحاً مکلف به رعایت موازین قوانین بشر شده است. براساس ماده ۵۴(۱)(ج) اساسنامه دیوان مزبور، دادستان باید «حقوق افراد را که ناشی از مقررات این اساسنامه است کاملاً رعایت کند.»

۴-۱-۱- حق سکوت و اجتناب از خود اتهامی یا اقرار به جرم متهم علیه خود

این حق یکی از حقوق کلی اشخاص است که در مراحل مختلف یک فرایند کیفری مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ از آنجا که بی‌گناهی هر فرد مفروض است، هیچ‌گونه تکلیفی به همکاری در دادرسی وجود ندارد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ردیف «الف» از بند ۱ ماده ۵۵ را به بیان حق شخص

استفاده از معاضدت قضایی، حق خواهد داشت تا در حضور وکیل مورد تحقیق قرار گیرد، مگر آن که خود، داوطلبانه از این حق صرف نظر نماید.» در این رابطه بهتر است پیشنهاد کنیم که این حق در آیین دادرسی و ادله گنجانده شود تا روشن شود که این حق چگونه باید اجرا شود. هدف این مقررات باید شناسایی حق شخص مورد تحقیق در صورت لزوم به درخواست تعویق بازجویی و حضور وکیل مدافع در هر مرحله‌ای باشد، صرف نظر از این که ضروری باشد یا خیر. برای مثال جایی که مظنون ابتدائاً با بازجویی بدون حضور وکیل مدافع موافقت می‌کند، اما بعداً نظر خود را تغییر می‌دهد.

اساسنامه در ماده ۵۵ به بیان حقوق اشخاص در مرحله تحقیقات مباردت ورزیده، موقعیت اشخاص را پیش از متهم شناخته‌شدن به دو مرحله متمایز بخش کرده و برای هر یک حقوقی را برشمرده است. بند ۲ این ماده که حاوی معاضدت حقوقی به وسیله وکیل منتخب یا تسخیری است مربوط به مرحله‌ای است که شخص در معرض بازجویی توسط دادستان و یا مقامات ملی کشوری پیرو درخواست دیوان باشد، بنابراین حق معاضدت حقوقی در همه دادگاه‌های کیفری موجود مشروط به بازجویی است.

یکی دیگر از موارد حق بر معاضدت حقوقی، تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم تمکن شخص برای پرداخت هزینه و حق الزحمه وکیل است. مقررات پیش‌گفته در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی بر این امر متفقد که هرگاه شخص دارای حق معاضدت حقوقی، به دلیل فقر توان مالی، امکان انتخاب وکیل نداشته باشد، باید برای او وکیلی رایگان تعیین شود، اما این با یک محدودیت همراه شده است، آن این که مصلحت عدالت باید چنین ایجاب کند ردیف «ج» از بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حاوی این شرط است.

برای بررسی این مسأله شایسته است ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار گیرد، از یک سو هنگامی که سخن از «حق» در میان است، اصولاً مستلزم آن است که امکان اعراض و انصراف از آن از سوی صاحب حق وجود دارد. بر این اساس مظنون یا متهم می‌تواند از حق معاضدت حقوقی صرف نظر کند (سولیس، ۱۳۹۸: ۹۲). همان‌گونه که اساسنامه رم امکان

یا آن که اگر برای شخص قابل فهم نیست، باید ترجمه شود؟ از طرف دیگر آیا ترجمه لزوماً باید به زبان مادری متهم باشد یا آن که ترجمه به زبان قابل فهم او، هرچند غیر از زبان مادری‌اش کافی است؟ به نظر می‌رسد راه‌حل‌های پذیرفته‌شده در دادگاه‌های بین‌المللی از «زبانی که متهم می‌فهمد» تا «زبان متهم» و تا «ترجمه‌ای که متضمن شروط انصاف است» متنوع است.

مطابق ردیف «ج» بند ۱ ماده ۵۵ مقرر می‌دارد: «چنانچه زبان مورد استفاده در بازجویی غیر از زبانی باشد که شخص کاملاً می‌فهمد و به آن سخن می‌گوید، شخص حق یک مترجم شایسته و ترجمه‌ای منطبق با شروط انصاف را دارد.» بر این اساس به نظر می‌رسد مقصود از «زبانی که شخص به آن سخن می‌گوید» لزوماً زبان مادری متهم نیست. باوجود این بیان اساسنامه در این زمینه و تابع تفاسیری خواهد بود که در آینده قضات از آن به عمل خواهند آورد. همین بیان در مورد متهم در مرحله محاکمه تکرار شده است. این ابهام می‌تواند حاوی نکته مثبتی نیز باشد و آن این است که به قضات اجازه می‌دهد برحسب مورد راه‌هایی را انتخاب کنند که هرچه بهتر مصلحت عدالت و حقوق اشخاص را تأمین کند.

حق متهمی که به زبان کاری دادگاه تسلط ندارد، برای داشتن مترجم، نه تنها با تمامی اصول دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم ارتباطی تنگاتنگ دارد، بلکه درواقع، عدم رعایت این حق می‌تواند به مفهوم نقض سایر اصول شکلی در دادرسی باشد. منطبق این حق در حمایت از متهم در برابر خودسرانگی و تضمین‌های حداقلی دادرسی عادلانه از طریق توانمندسازی متهم برای برقراری ارتباط مؤثر نهفته است (پیری، ۱۴۰۲: ۹۳)، به‌ویژه در جایی که محاکمه به بیش از یک زبان برگزار می‌شود. این امر باعث شده که ساختاری امیدوارکننده برای احقاق حقوق زبانی در دادرسی‌های کیفری فراهم شود.

۴-۱-۳- حق داشتن وکیل

حق داشتن وکیل و تأمین ارتباط آزادانه با او شاخص‌ترین تضمین برای حقوق مظنونان و متهم در روند منصفانه دادرسی است. ماده ۵۵(۲) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این خصوص مقرر می‌دارد: «شخص تحت بازجویی علاوه بر حق

ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی شناخته نشده و یا دست‌کم هنوز به قواعد بین‌المللی وارد نشده بود.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، امکان دستگیری مظنون از مفهوم مقرر مندرج در ردیف «د» بند ۱ ماده ۵۵ استفاده می‌شود. این ماده که به بیان «حقوق اشخاصی در طی تحقیق» اختصاص یافته است، ضمن مقرر یادشده از مظنون در برابر «دستگیری یا بازداشت خودسرانه» حمایت می‌کند، پس دستگیری یا بازداشت قانونی امکان‌پذیر است. با نظر به مفاد بند ۷ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان درمی‌یابیم که در سیستم این دیوان دستگیری و بازداشت نه فقط مجاز است، بلکه اصل و قاعده تلقی می‌شود، به گونه‌ای که اگر دادستان بخواهد به جای درخواست قرار دستگیری، از شعبه مقدماتی تقاضای صدور احضاریه برای شخص بکند، باید دلایلی معقول دایر بر اعتقاد به عدم نیاز به دستگیری ارائه به گونه‌ای که شعبه مقدماتی بر چنین باوری متقاعد شود، از آنجا که این ماده در فصل پنجم اساسنامه آمده که مربوط به «تحقیق و تعقیب است» و در همه مقررات آن، از جمله بند ۷، از فردی که موضوع قرار دستگیری یا احضاریه است با کلمه «شخص» و نه «متهم» یاد شده است، به‌طور مسلم شامل مظنون هم می‌شود، اگر نگوئیم منحصر به اوست. این در حالی است که طی بند ۱ همین ماده صدور قرار دستگیری شخص به احراز شروط ماکول شده است که جمع آن را با مقرر بند ۷ دشوار می‌نماید. این شروط در واقع، همان معیارهای ماهوی دستگیری و بازداشت قانونی است.

از حیث معیار قانونی دستگیری و بازداشت و ارتباط آن با دادستان، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ردیف «د» بند ۱ ماده ۵۵ مقرر می‌کند که «شخص نباید مورد دستگیری یا بازداشت خودسرانه واقع شود و نباید از آزادی محروم گردد، مگر مطابق دلایل و آیینی که در اساسنامه مقرر شده است.» هرچند اشاره به دلایل و آیین مقرر در اساسنامه، بی‌آنکه به‌طور دقیق مشخص شود، از فایده و دقت مقرر کاهد، درحالی‌که شایسته بود موادی از اساسنامه به‌طور مشخص به بیان این معیارها اختصاص می‌یافت، لیکن با رجوع به سایر مقررات مندرج در فصل پنجم (تحت عنوان تحقیق و تعقیب) این اساسنامه

انصراف از حق استفاده از وکیل را در مرحله بازجویی، به صراحت پیش‌بینی کرده است (ردیف «د» از بند ۲ ماده ۵۵)؛ از سوی دیگر با ملاحظه ویژگی‌های خاص دادرسی نزد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پیچیدگی‌های مربوط به تحقیقات، تأمین ادله و غیر آن اجرای عدالت و تضمین محاکمه‌ای عادلانه بدون همکاری و مشارکت مؤثر اشخاص مظنون یا متهم با دشواری بسیار روبه‌رو خواهد بود.

۴-۱-۴- حقوق مربوط به دستگیری و بازداشت اشخاص

اصل آزادی و امنیت که از حقوق بنیادی اشخاص است مبنای اغلب تضمین‌هایی است که برای مرحله مقدماتی فرایند کیفری در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. مقتضای اصل برائت نیز که خود در قلب اصول حقوق کیفری جای دارد، حفظ آزادی و امنیت افراد تا پیش از احراز مجرمیت آن‌هاست. طبعاً در شرایطی که شخص مظنون یا متهم ارتکاب جرمی شده است، موضوع حفظ و رعایت آزادی و امنیت او به مراتب مهم‌تر از شرایط عادی است، زیرا ناگفته پیداست که طی انجام تحقیقات کیفری، «وضعیتی که شخص مظنون در توقیف یا بازداشت موقت به سر می‌برد، حقوق وی بیش از زمانی که آزاد است، در معرض خطر قرار می‌گیرد» و نگهداری شخص در بازداشت وی را آسیب‌پذیرتر می‌کند.

در محاکمات کیفری بین‌المللی بنا به دلایل و شرایط خاصی که وجود دارد، اشخاص تحت تعقیب و محاکمه اغلب در بازداشت به سر می‌برند، همه می‌دانند که در نورنبرگ و توکیو متفقین متهمان را پیش از صدور کیفرخواست در توقیف نگه می‌داشتند، اغلب متهمان حتی پیش از تصمیم نهایی به تأسیس دادگاه نظامی بین‌المللی دستگیر شده و توسط مقامات ملی بازداشت شده بودند. بازداشت قاعده کلی بود و استثنايي وجود نداشت (دیدیه، ۱۳۹۹: ۱۰۸). دلیل در پیش‌گرفتن چنین شیوه‌ای به‌طور قطع با نگاه به شرایط آن زمان و ویژگی‌های بی‌نظیر آن محاکم نظامی است. علاوه بر این، در آن زمان استانداردهای بین‌المللی امروزی راجع به حقوق بنیادی بشر وجود نداشت. در زمان محاکمات نورنبرگ ارزش‌های که امروزه پایه‌های قواعد حقوق بشر بر آن استوار است. به‌عنوان

اهداف دیوان و درنهایت عدالت کیفری بین‌المللی هم‌راستا نیست.

شناسایی هر حقی مستلزم پذیرش اختیار مطالبه آن برای صاحب حق و اعتراض به نقض آن است، بنابراین چنانچه شخص مظنون معتقد باشد که حق مصونیت او از دستگیری یا بازداشت خودسرانه نقض شده است، می‌تواند اعتراض کند و طبعاً به این اعتراض او باید در مرجع قضایی رسیدگی شود (خالقی، ۱۴۰۲: ۱۰۴). در دیوان کیفری بین‌المللی ماده ۵۵ اساسنامه که به حقوق اشخاص در مرحله تحقیقات اختصاص یافته است، سخنی درباره حق اعتراض اشخاص نسبت به قانونی بودن دستگیری یا بازداشت ندارد، اما در ماده ۵۹ آن که موضوع آیین دستگیری در کشور محل توقیف است، حاوی مقرراتی است که مستلزم قبول حق اعتراض شخص دستگیر شده است. بند ۲ این ماده مقرر کرده که شخص دستگیر شده باید بلافاصله نزد مقام قضایی صالح در کشور محل توقیف برده شود تا مطابق با قانون آن کشور، تعیین کند که: «قرار دیوان نسبت به آن شخص اجرا می‌شود، مطابق با آیین درست دستگیر شده و حقوق او رعایت شده است.» این مقرر گویای آن است که کنترل قضایی بر دستگیری و بازداشت و تضمین حقوق اشخاص در این زمینه متوقف بر درخواست آنان نیست، بلکه مقامات ذی‌ربط است. بدیهی است اگر به چنین تکلیفی عمل نشود، شخص بازداشت‌شده حق اعتراض دارد.

۴-۱-۵- حق جبران خسارت از بازداشت غیرقانونی

به مقتضای این اصل هر کس به جهت عمل دیگری متحمل خسارت شود، حق دارد جبران آن را مطالبه کند. لزوم جبران خسارت وارد بر اشخاص در اثر نقض حقوق مربوط به اصل «رعایت آیین قانونی» از این قاعده مستثنا نیست. مقتضای اصل برابری ماهوی نیز همین است، زیرا کسی که بدون جهت مورد دستگیری یا بازداشت واقع شده از اصل آزادی یا حقوق ناشی از آن که همه افراد در آن برابند، محروم گردیده است، این نابرابری عارض شده باید قابل جبران باشد، بنابراین حق بر جبران خسارت از اصول بنیادی حقوق بشر برمی‌آید، ضمن این که به تضمین آن‌ها نیز کمک می‌کند.

۴-۲- رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی بر حقوق متهمان

می‌توان دلایل و پاره‌ای شرایط آیینی مربوط به بازداشت و دستور توقیف موقت را استخراج کرد.

باتوجه به مقررات ماده ۵۸ این اساسنامه راجع به شروط مربوط به قرار دستگیری و چگونگی اجرای آن و لزوم اشاره به جرایمی که به‌خاطر آن قرار دستگیری صادر شده و بیان کلی وقایع و عناصر تشکیل‌دهنده جرم همه حاکی از امکان استدلال برای وجود حق اطلاع از دلایل دستگیری است. این در حالی است که قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دیوان ما را از توسل به چنین استدلالی بی‌نیاز می‌کند، زیرا در قاعده ۱۱۷ به صراحت از حق مظنونان به دریافت نسخه‌ای از قرار صادره دایر بر دستگیری سخن می‌گوید که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود و حاوی اطلاعات یادشده است. از این‌رو اشاره به امکان آن استدلال نشانگر این است که قواعد دادرسی دیوان در این زمینه هماهنگ با اساسنامه است و چیزی اضافه نکرده است، بلکه پرده از مفاد اساسنامه برداشته است. از سوی دیگر اساساً حق شخص بر غرامت به سبب اساساً دستگیری غیرقانونی که در متن اساسنامه برداشته است. از سوی دیگر، حق شخص بر غرامت به سبب دستگیری غیرقانونی که در متن اساسنامه آمده است، خود به روشنی مستلزم حق اعتراض به قانونی بودن دستگیری و بازداشت است و ناگفته پیداست که این نیز به نوبه خود متوقف بر آگاهی از دلایل آن است.

برخلاف قانون‌گذاران داخلی برای قانون‌گذار بین‌المللی که در مورد دیوان کیفری بین‌المللی همان کشورهای عضو اساسنامه دیوان است، نیل به توافق درخصوص دامنه صلاحیت‌های دادستانی کار چندان راحتی نیست. از یک‌سو، استقلال دادستان به‌منظور نیل به عدالت امری است که باید به‌خوبی تضمین گردد و از سوی دیگر توسعه بیش از حد اختیارات دادستان ممکن است موجب نقض منافع کشورهای عضو اساسنامه دیوان شود که این امر در فضای بین‌المللی بدون تردید با مخالفت و مقاومت کشورها روبه‌رو خواهد شد (فیروزیان حاجی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۵). همچنین از آنجا که رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی جذب حداکثری کشورها به پذیرش اساسنامه دیوان است، چنین مسأله‌ای چندان با تلاش درجهت نیل به

سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفت (رضوی فرد، ۱۳۹۴: ۸۹). دادستان باتوجه به اسناد و مدارکی که به وی ارائه می‌شود، مستند به ماده ۱۵ اساسنامه تحقیق را شروع نماید، مگر آن که شرایط مندرج در ماده ۵۳ اساسنامه موجود نباشد و چنانچه موضوعی به‌موجب بند «الف» ماده ۱۳ به دیوان ارجاع شده است و دادستان نظر داده است که اساس مستدلی برای شروع به تحقیق وجود دارد یا آن که دادستان تحقیقی را به‌موجب این تصمیم را به کلیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که باتوجه به اطلاعات موجود معمولاً بر جنایات مورد نظر اعمال صلاحیت می‌نماید، اعلام کند و در صورتی که دادستان محرمانه‌بودن اطلاعات را برای حفاظت از اشخاص یا جلوگیری از نابودی ادله یا جلوگیری از اختفای اشخاص لازم بداند، می‌تواند دامنه اطلاعاتی را که ارسال می‌کند، محدود نماید.

به‌نظر می‌رسد در هر صورت که دادستان بخواهد تحقیقات را آغاز کند، باید از شعبه مقدماتی مجوز کسب کند، یعنی در تحقیقات اولیه که به ابتکار خود تحقیقات را شروع کرده اگر در ارزیابی و اطلاعاتی که کسب می‌کند به این نتیجه برسد که آن وضعیت به‌وجود آمده، جرم است باید از شعبه مقدماتی مجوز کسب کند تا به مرحله تحقیقات مقدماتی برسد، در اینجا ملزم است تا تحقیقات و تعقیبات خود را ادامه دهد تا این که حتی به مرحله تأیید اتهامات برسد و شعبه مقدماتی یکی از قرارهای نهایی را صادر نماید، به‌نوعی با قاعده الزامی‌بودن تعقیب مطابقت دارد، درحالی که اگر در همان تحقیقات اولیه با بررسی و تجزیه و تحلیلی که به‌دست می‌آورد که جرم مورد نظر دلایل مقتضی دارد که شروع به تحقیق در راستای اجرای عدالت نیست در اینجا با قاعده متناسب‌بودن مطابقت دارد.

۴-۲-۳- افشای دلایل برای متهم

افشای دلایل برای متهم یکی از مؤلفه‌های حقوق دفاعی وی است. عدالت کیفری حکم می‌کند که وضعیت متهم در دستگاه عدالت کیفری تا حدی ارتقا یابد که او بتواند به دفاع از خود بپردازد. متهم پس از دستگیری از امکاناتی برخوردار نیست که دلایل تبرئه‌کننده اتهامات خود را جمع‌آوری و ارائه کند. در محاکمات کیفری بین‌المللی این وظیفه برعهده دادستان قرار گرفته است تا این که وی علاوه بر تعهدات دیگر نیز به

تعقیب متهمان بر عهده دادستان یا مدعی‌العموم است که به نمایندگی از سوی جامعه، جرایم ارتكابی را مورد پیگرد قرار می‌دهد، دادستان وظیفه خود را با صدور کیفرخواست، اعم از کتبی و یا شفاهی به ثمر می‌رساند. تعقیب جرایم، مهم‌ترین وظیفه دادسرا تا پس از تشکیل و تکمیل پرونده تحقیقات مقدماتی است تا زمینه محاکمه و صدور حکم توسط دادگاه فراهم گردد. از این تکلیف به‌عنوان اصل قانونی‌بودن یا الزامی‌بودن تعقیب یاد می‌شود. از همین رو، در ادامه به بررسی رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی بر حقوق متهمان می‌پردازیم.

۴-۲-۱- قاعده قانونی‌بودن تعقیب متهمان

به‌لحاظ تعلق دعوی عمومی به جامعه، دادسرا یا هر نهادی که از سوی قانون‌گذار به جانشینی آن عمل کند (مانند رییس حوزه قضایی) باید تعقیب جرایم و اقامه دعوا علیه متهم را به نمایندگی از سوی جامعه برعهده گیرد. در واقع، اگر در سیستم اعلام عمومی جرم، شهروندان مکلف‌اند جرایم خطیر و مخل امنیت و سلامت عمومی را به مراجع ذی‌صلاح گزارش کنند مراجع مذکور نیز باید در تعقیب بزه‌کاران از هیچ‌گونه کوششی فروگذار نکنند. تکلیف دادسرا به اقامه دعوی عمومی تحت عنوان قاعده «قانونی‌بودن تعقیب» یا «الزامی‌بودن تعقیب» ابتدا در حقوق آلمان شناخته شد و از آنجا به سایر کشورهای که در آن‌ها دادرسی طبق نظام مختلط انجام می‌شود، راه یافت. ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان درباره این تکلیف مقرر می‌دارد: «اقامه دعوا برعهده دادستان است و تا هنگامی که تکلیف قانونی دیگر برای او منظور نشده باشد، دادستان مکلف به تعقیب کلیه جرایم و طرح آن‌ها در دادگاه‌هاست.»

۴-۲-۲- قاعده موقعیت داشتن (مقتضی‌بودن) تعقیب

اعمال دقیق و مستمر قاعده اجباری‌بودن تعقیب همواره فایده اجتماعی را دربر ندارد. در برخی از جرایم نه‌فقط بر تعقیب متهم اثر سودمندی مترتب نیست، بلکه اتخاذ یک سیاست جنایی کارساز ایجاب می‌کند که مسوولان قضایی طی شرایطی به‌طور موقت از تعقیب برخی متهمان (به‌ویژه نوجوانان) اجتناب ورزند. باتوجه به چنین برداشتی در نیمه دوم قرن بیستم در کنار قاعده اجباری‌بودن تعقیب، قاعده دیگری موسوم به مقتضی یا «مفیدبودن تعقیب» مورد توجه حقوق‌دانان و به‌ویژه

تصریح شده است. در دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه لبنان که محاکمه غیابی تجویز شده، عملاً دادگاه مزبور در مقابل دو ضرورت، یعنی «محاکمه غیابی بدون حضور متهم» و «دفاع از حقوق متهم» قرار گرفت. شناسایی دادرسی غیابی در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان سبب شد تا این دادگاه با تأسیس «دفتر دفاع^۱» از حقوق متهمان غایب دفاع کند. رویکرد غالب در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، دادرسی حضوری است و به غیر از دادگاه ویژه لبنان و دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ، برگزاری محاکمه غیابی در محاکم کیفری بین‌المللی پذیرفته نشده است، اما در ماده ۲/۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، متهمی که به دیوان احضار شده باشد می‌تواند کتباً از شعبه بدوی بخواهد اجازه دهد تا از طریق ارتباط ویدیویی در یک یا چند جلسه از محاکمه‌اش شرکت نماید. «چنین امکانی تنها برای متهمانی محدود است که برای آن‌ها احضاریه صادر شده و شامل افرادی که برای آنها قرار جلب صادر شده نمی‌گردد» (مضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷۱). برقراری امکان احتساب ارتباط ویدیویی به‌عنوان دادرسی حضوری، نشان از ارفاقی و ترغیبی بودن همکاری با دیوان دارد.

۴-۲-۵- بی‌طرفی دادرسان

بی‌طرفی به‌معنای جانب‌داری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رأی یا حکم خاصی است، در رسیدگی‌های قضایی نیز همین منظور مراد است، به‌گونه‌ای که مقام قضایی باید بدون پیش‌داوری، غرض‌ورزی و جانب‌داری از یک تفکر خاص رسیدگی خود را انجام دهد. بی‌طرفی در جریان و روند دادرسی معنا پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که در طول محاکمات نباید از یکی طرفین حمایت ویژه بشود، بلکه طرفین باید در بیان مواضع و ارائه ادله و دفاعیات خود، فرصت برابر داشته باشند و دادگاه نیز باتوجه به جمیع جهات و پس از ارزیابی منصفانه از دلایل و مدارک طرفین و تحقیقات صورت‌گرفته توسط دادستان تصمیم خود را اتخاذ نماید.

به‌گونه‌ای که براساس بند ۷ ماده ۴۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان و معاونان وی می‌توانند در حل‌وفصل موضوعی که در آن بی‌طرفی آن‌ها به نحو معقول و به هر

جمع‌آوری و افشای دلایل به نفع متهم بپردازد (صالحی، ۱۳۹۴: ۴۷)، در نتیجه یکی از ابعاد حقوق دفاعی متهم، حق برخورداری وی از افشای دلایل است. حق برخورداری از افشای دلایل، حقی است که متهم در پرتو آن می‌تواند اتهام وارده را از خود دور کند.

حق پرسش از شهود، از دیگر حقوق متهمان است. باتوجه به ابهامات حاکم بر مقررات پرسش از شاهد در دیوان کیفری بین‌المللی در مقایسه با مقررات نسبتاً صریح‌تر و بهتری در اساسنامه و رویه دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و رواندا، بیم آن می‌رود که این حق در رویه دیوان کیفری بین‌المللی به خوبی اجرا نشود. باتوجه به این که اساسنام دیوان کیفری بین‌المللی، اصلاح قواعد دادرسی را توسط دولت‌های عضو پذیرفته است، «مهم‌ترین ماده‌ای که می‌تواند در جهت حفظ حقوق متهم اصلاح شود، ماده ۸۸ قواعد دادرسی است که طبق آن، دادگاه با جلسه‌ای به درخواست یکی از طرفین دادرسی و بدون حضور طرف دیگر برای اتخاذ اقدامات ویژه که شامل عدم افشای هویت شاهد نیز می‌شود، تشکیل دهد، می‌تواند باعث از بین رفتن حق پرسش متهم از شاهد شود» (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۱). این در حالی است که صدور احکام محکومیت در دیوان کیفری بین‌المللی، کاملاً وابسته به همکاری شهود است، لذا چنانچه متم نتواند اعتبار شاهد یا صحت اظهارات او را ارزیابی کند، خطر محکومیت ناوورا و اشتباهی علیه متهم افزایش می‌یابد.

۴-۲-۴- ضرورت حضور متهم در دادرسی

«استثنائات زیادی تاکنون مطرح شده تا از آن طریق بتوان جلسه رسیدگی را بدن حضور متهم برگزار کرد. عمده‌ترین این استثنائات مربوط به وضعیت سلامت متهم، اخلال مستمر در برگزاری جلسه دادرسی، فرار متهم و عدم تحویل متهم در دادگاه می‌باشد که عملاً جلسه دادرسی حضوری را با مشکل روبه‌رو می‌سازد»، اما به‌طور کلی، اصل بر حضوری بودن دادرسی است و در بند اول ماده ۶۳ اساسنامه رم بر حضوری بودن دادرسی و نیز در زیر بند «د» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه بر حاضر بودن متهم در دادرسی به‌عنوان یک حق

¹ - Bureau de la Defense

۴-۲-۶- معقول بودن مهلت رسیدگی

الزام دیگری که در اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر به آن اشاره شده است. لزوم رسیدگی در مهلتی معقول و متعارف است. دیوان کیفری بین‌المللی نیز باتوجه به سوابق نظام‌های دادرسی ملی در این خصوص و همچنین با پشتوانه‌ای از رویه دادگاه‌های بین‌المللی موردی، سعی در تضمین این اصل از اصول عادلانه داشته است، به‌گونه‌ای که در قسمت «ج» از بند یک ماده ۶۷ اساسنامه یکی از حقوق متهم را این‌گونه ذکر می‌کند که «بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود» به‌علاوه در جاهای دیگر از جمله در آیین دادرسی و ادله نیز به این مهم پرداخته است (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۱۸). به‌عنوان نمونه در مواد ۱۰۹ و ۱۵۰ آیین دادرسی تأکیدی بر سرعت در دادرسی شعبه مقدماتی و رسیدگی‌های پژوهشی وجود دارد.

۴-۲-۷- حق آگاهی از اتهام و ادله آن

دیوان کیفری بین‌المللی این حق را با تفصیل تأکید بیشتر در ردیف «الف» از بند ۱ ماده ۶۷ بیان کرده است و می‌گوید متهم باید فوراً و به تفصیل از ماهیت، سبب و محتوای اتهامی که به زبانی که کاملاً می‌فهمد و به آن سخن می‌گوید، مطلع شود. مطابق با مقررات آیین دادرسی و ادله اثبات این دیوان نه‌فقط متهم از محتوای کیفرخواست آگاه شود، بلکه در جلسه‌ای استماع مربوط به تأیید کیفرخواست در شعبه مقدماتی نیز حضوری می‌باشد، بنابراین حق متهم به آگاه‌شدن از اتهام و منشأ و محتوای آن در محاکمات کیفری بین‌المللی تضمین شده است (شریعت‌باقری، ۱۴۰۲: ۹۹). به‌نظر می‌رسد به این دلیل که کیفرخواست مربوط به دادستان است و تنظیم‌کننده کیفرخواست است این وظیفه ایشان است که متهم را از آن آگاه کند، حتی پس از این که شعبه مقدماتی کیفرخواست را تأیید کرد تا آن را به دادگاه بدوی ببرد، دادستان باید اتهامات تأییدی را به متهم آگاهی دهد، پس می‌توان این نتیجه را گرفت که در مرحله محاکمه حق آگاهی از اتهام که یک حق برای متهم است و دادستان باید این حق را رعایت کند.

۴-۲-۸- حق اطلاع متهم و برابری سلاح‌ها

حق برابری سلاح‌ها مقتضی آن است که بین طرفین نوعی موازنه اطلاعاتی نسبت به پرونده برقرار شود، یعنی آنچه در

دلیلی ممکن است مورد تردید واقع شود، شرکت نمایند. آنان به‌موجب این بند در موضوعی که سابقاً تحت هر عنوانی در مقابل دادگاه مطرح نموده یا در یک پرونده کیفری مرتبط با آن در محاکم ملی که در آن پرونده شخص مورد تعقیب یا تحقیق حاضر مطرح بوده و اینان مداخله داشته‌اند، از فعالیت ممنوع هستند. بند ۵ این ماده حتی پا را فراتر هم گذاشته و مقرر می‌دارد که «دادستان و معاونان وی می‌بایست از اشتغال به هر شغلی که ممکن است با وظایف آن‌ها در امر تعقیب متهمان ناسازگار بوده یا موجب تردید در استقلال آن بشود، خودداری کنید، به‌علاوه آنان باید از اشتغال حرفه‌ای به هر شغل دیگری امتناع نمایند.» همچنین بند ۲ ماده ۴۱ اساسنامه درخصوص قضات دیوان مقرر می‌دارد: «قاضی نمی‌تواند در تصمیم‌گیری مربوط به پرونده‌ای که در آن بی‌طرفی او به نحو منطقی و به هر علتی می‌تواند مورد تردید واقع شود، شرکت نماید.»

نهایتاً ماده ۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در تکمیل و تبیین مقررات اساسنامه در این خصوص، علاوه بر دلایل مقرر در بند ۲ ماده ۴۱ و بند ۷ ماده ۴۲، مبانی عدم صلاحیت قاضی، دادستان یا معاون دادستان به شرح زیر برمی‌شمارد: «الف- وجود منافع شخصی در قضیه‌ای، از جمله حضور همسر والدین یا یکی از اعضای نزدیک خانواده وی یا وجود رابطه شخصی یا شغلی هر نوع وابستگی با اعضای حاضر در قضیه؛ ب- مشارکت در هر رسیدگی حقوقی مطرح‌شده که وی قبلاً در آن قضیه حضور داشته است، بعداً توسط وی مطرح شود که در آن قضایا شخص مورد تحقیق یا پیگرد مورد تحقیق یا پیگرد طرف مقابل دعوا بوده یا است؛ ج- قبل از انجام‌وظیفه در این مقام، وی در مقام اجرای وظایفی بوده که طی آن دیدگاهی را در قضیه مورد بحث نسبت به طرفین یا نسبت به نمایندگان قانونی‌شان داشته است که به‌طور قطع بر بی‌طرفی وی در قضیه تأثیر می‌گذارد؛ د- بیان دیدگاه‌ها، از طریق رسانه‌های همگانی به‌صورت کتبی یا در اقدام عمومی که به‌طور قطع بر بی‌طرفی وی در قضیه تأثیر می‌گذارد. این امر (دادرسی) همانند قوانین داخلی از قواعد آمره می‌باشد، به‌طوری‌که به شرح فوق هم دادستان و هم متهم می‌توانند تقاضای رد را بنمایند و هم طبق ۳۵ آیین دادرسی و ادله در صورتی که مقام قضایی (قاضی به دادستان یا معاون) این قضیه بشود، باید آن را مطرح نماید.»

دادستان بتواند ادله ناشی از افشاگری را در دادگاه ارائه نماید، بدون این‌که آن‌ها را برای متهم افشا کند و به او حق دفاع متقابل بدهد.

۴-۲-۱۰- فرصت و امکانات کافی برای آماده‌کردن دفاع

این حق در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده، اما هیچ تفصیلی در این باره بیان نشده است، در قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات آن هم چیزی بیش از اساسنامه آورده نشده است، به‌طور کلی حق دریافت فرصت و تسهیلات کافی بستگی به شرایط خاص هر پرونده دارد و برحسب مورد قابل ارزیابی است، درحالی‌که تأمین، این حق تا حدود زیادی در ضمن برخی حقوق دیگر متهم مانند حق دسترسی به اطلاعات و استاد، بهره‌مند از مترجم، وکیل و ارتباط و مکاتبات آزادانه و محرمانه تجلی می‌یابد و همه این‌ها در خدمت تحقق کامل یک حق است و آن حق دفاع متهم است.

در نظام‌های داخلی دو نوع دفاع متمایز وجود دارد که عنصر معنوی را نفی می‌کند: یکی استناد به عواملی است که در شرایط خاص، وصف متخلفانه را از یک رفتار زیان‌بار بر می‌دارد (عوامل موجهه جرم) و دیگری معاذیری است که دلالت می‌کند، اگرچه عملی متخلفانه بوده، لیکن با شرایطی توأم شده که انتساب آن را به فاعل غیرمنصفانه می‌کند (عوامل رافع مسؤولیت). در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌جای تمایزات یادشده در نظام‌های ملی، ترجیح داده شده که از عنوان عام «معافیت از مسؤولیت کیفری» استفاده شود و در بند ۱ ماده ۳۱ موارد آن برشمرده شده است، البته طبق بند ۳ این ماده مصادیق یادشده در بند حصری تلقی نشده و امکان بررسی موارد دیگر پذیرفته شده است و این می‌تواند مستند به حقوق قابل اعمال توسط دیوان، طبق ماده ۲۱ اساسنامه آن باشد.

نتیجه‌گیری

دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان برجسته‌ترین اقدام جامعه بین‌المللی در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی باید بتواند یک سیستم تعیین مجازات، مقتدر و منصفانه و عادلانه را با در نظرگرفتن عوامل مختلف مؤثر بر تعیین مجازات و رعایت حقوق بشر در رسیدگی‌های کیفری و محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی، پایه‌ریزی نماید تا بتواند شکافی را که از

پرونده اتهامات جمع آمده است و طبعاً در اختیار دادستان است، به اطلاع متهم نیز رسانده شود، چراکه در غیر این صورت، در مقام دفاع در وضعیتی نابرابر و در موقعیتی ضعیف‌تر از دادستان قرار می‌گیرد، البته در این باره سؤالاتی به ذهن می‌رسد، از جمله این‌که شاید برخی اطلاعات در اختیار دادستان که هنوز کامل نشده و به مرتبه‌ای نرسیده که بخواهد آن‌ها را به‌عنوان دلیل ارائه کند، بلکه با ادامه تحقیقات ممکن است تکمیل شود و به مرتبه دلیل قابل عرضه در دادگاه برسد، وانگهی دسترسی متهم به این اطلاعات ممکن است باعث اختلاف در کار تکمیل تحقیقات دادستان گردد. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد استناد به برابری سلاح‌ها متقابلاً مقتضی دسترسی دادستان به ادله دفاعی متهم است، حال آن‌که مکلف‌کردن متهم به ارائه اطلاعات پرونده دفاعی خود می‌تواند تضمین دادرسی عادلانه را نسبت به او با تردید مواجه کند، پس پرسش را باید این‌گونه مطرح کرد که هریک از طرفین، یعنی دادستان و متهم تا چه میزان مکلف به ارائه و افشای ادله اطلاعات نسبت به یکدیگر هستند.

۴-۲-۹- وظیفه افشای ادله و اطلاعات

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقررات مفصلی درخصوص افشاگری ادله ندارد. ماده ۶۱ اساسنامه یک وظیفه کلی را پیش‌بینی کرده است، به‌علاوه، در آیین دادرسی و ادله مقررات تکمیل شده است، بنابراین بخش زیادی از آیین دادرسی و ادله (فصل ۴ بند ۲) به این مسأله مربوط است و مواد ۷۶ تا ۸۴ به افشاگری اختصاص دارد. مقررات مذکور در آیین دادرسی و ادله اهمیت وظیفه دادستان برای افشاگری را نشان می‌دهند. اظهارات شهود باید به زبانی که متهم با آن صحبت می‌کند، ترجمه شود. مواد مربوط به افشای ادله تابع محدودیت‌هایی است تا حفاظت از قربانیان و شهود را تأمین نماید. وظایف دادستان تعهدات مستمری هستند که به همه ادله دیگری که در هر مرحله از محاکمات کشف شده است، اشاره دارد. به‌طور کلی محدودیت‌های مربوط به افشاگری ادله در آیین دادرسی و ادله آمده‌اند ادله‌ای که از افشاکردن مستثنی هستند، عبارت‌اند از گزارش‌ها، یادداشت‌ها و سایر اسناد داخلی طرفین. افشاگری همچنین چنانچه باعث لطمه‌زدن به دادرسی عادلانه شود و شعبه نیز آن را اجازه افشاگری بدهد، این اجازه موجب نمی‌شود

- پیری، حیدر (۱۴۰۲). «تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۵): ۹۳-۱۲۶.

- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر میانی نظری، تحولات تاریخی سازوکارهای اجرایی. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- تقی‌پور، علیرضا (۱۳۹۰). «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۲(۲): ۱۹-۴۳.

- تیموری، مهرداد؛ بیگی، جمال و احدی، فاطمه (۱۴۰۰). «حس‌زدایی سلامت‌محور؛ برآیند سلامت و عدالت در رویکرد نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۳): ۹۵-۱۲۰.

- جعفری، فریدون (۱۳۹۸). دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری. تهران: انتشارات میزان.

- خالقی، ابوالفتح (۱۴۰۲). رژیم تعقیب و تحقیق جنایات بین‌المللی. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- دیدیه، روبو (۱۳۹۹). حقوق کیفری بین‌المللی. ترجمه بهزاد رضوی فرد و محمد فرجی، تهران: انتشارات میزان.

- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل کیفری. تهران: انتشارات میزان.

- رضوی فرد، بهزاد و دیرباز، مرضیه (۱۳۹۲). «حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی از بزهدیدگان». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۳): ۶۷-۹۸.

- رضوانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷). «حضور بودن محاکمه و استثنائات وارد بر آن در دیوان کیفری بین‌المللی». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۹(۲): ۱۵۵-۱۸۲.

- سولیس، گری.دی (۱۳۹۸). حقوق مخاصمات مسلحانه؛ حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ. ترجمه عباسعلی عظیمی و مهدی خاقانی اصفهانی، قم: انتشارات زمزم هدایت.

ناتوانی دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری بین‌المللی ناشی می‌شود، پر نماید و نقاط قوت سیستم آن بر نقاط ضعفش برتری معقول و منطقی یابد و کشورهای غیر عضو راحت‌تر بتوانند درخصوص الحاق یا عدم الحاق تصمیم بگیرند. آنچه از بررسی جلوه‌های حقوق متهمان و محکومان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برمی‌آید، این است که بر پایه موازین حقوق بشری و اعتلای کرامت انسانی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جلوه‌های حقوق مظنونان و جلوه‌های حقوق متهمان و همچنین جلوه‌های حقوق محکومان به رسمیت شناخته شده است که نشان‌دهنده عدالت کیفری کرامت‌مدار در سطح بین‌المللی را تداعی می‌بخشد؛ همچنانکه مجازات‌نکردن متهم، به‌مراتب بهتر از اعمال مجازات بدون رعایت عدالت کیفری عادلانه و اصول دادرسی منصفانه و محکوم کردن است. لازم به ذکر است که عدم اشاره به حقوق زندانیان برابر قوانین حقوق بشری و کنوانسیون‌های بین‌المللی درخصوص حقوق بازداشت‌شدگان و زندانیان، ازجمله نقاط ضعف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ
الف. منابع فارسی

- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۴۰۲). حقوق کیفری بین‌المللی. تهران: انتشارات گنج دانش.

- صالحی، جواد (۱۳۹۴). «بایسته‌ها و چالش‌های افشای دلایل؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی متهم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۷(۴۸): ۴۷-۶۷.

- فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۸). «موانع و چالش‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی در تقویت ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه». فصلنامه تعالی حقوق، ۵(۱): ۳۷-۷۴.

- فیروزیان حاجی، ابراهیم؛ روحانی، کارن و حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی اختیارات دادستانی در دیوان کیفری بین‌المللی و مقایسه آن با مبانی ایده‌آل‌گرایی قضایی». فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۳): ۲۸۷-۳۰۹.

ب. منابع انگلیسی

- Baumgartner, E (2008). "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court". *International Review of the Red Cross*, 90(870): 409-440.

- Bîrzu, B (2016). "The right to interpretation and translation within criminal proceedings in the European Union. Comparative examination. Critical opinions". *Juridical Tribune*, 6(1): 137-147.

- Wemmers, JA (2006). *Reparation and the International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims*. Report of the workshop held January 28th 2006.